



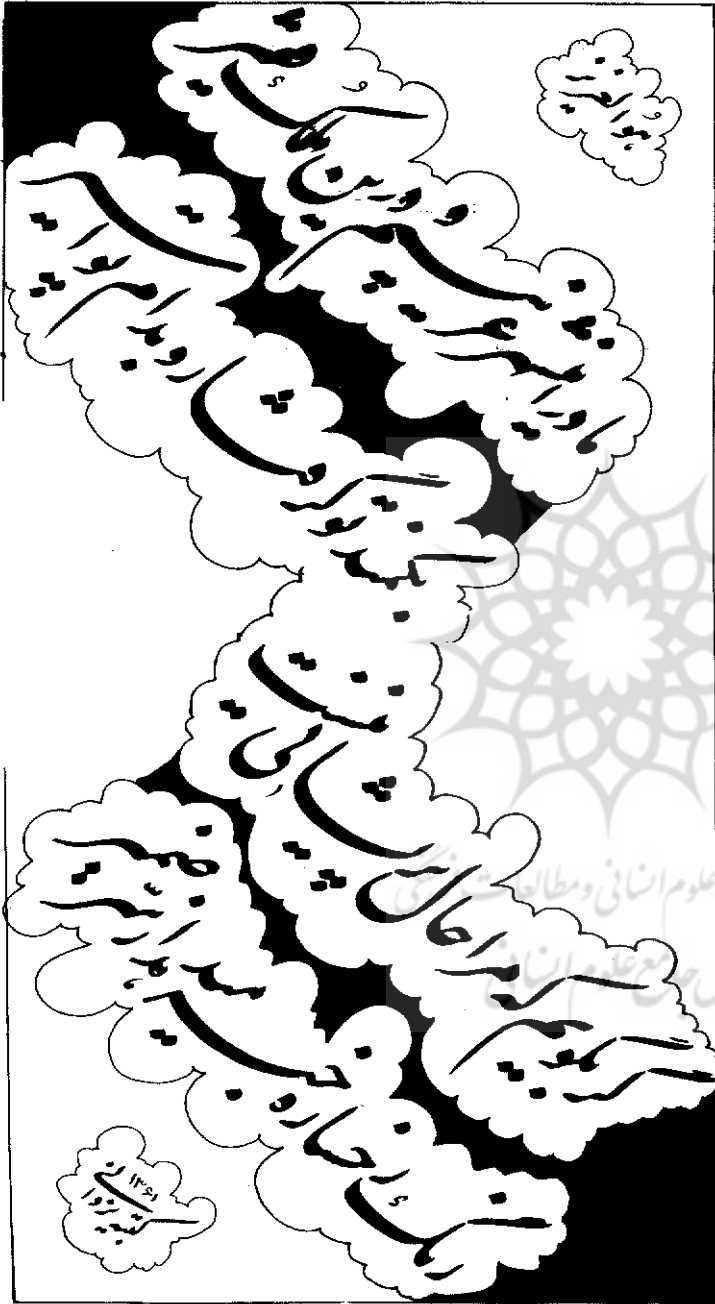
تولد تقالی حضرت آیت الله العظمیٰ محمد

# از تجلیات

پروفت و ماہد احوال محمد سرزودید با عت ال محمد مدد خلف را کمال میرفتی بظن قدر با کمال محمدی کبیرا

بہ ہمناسبت لغوت الاستاد سیف الہدیٰ و پڑوانی، خطا و  
از تبار آرائی کہ ہمیں مانند

هم چنین در حال حاضر اقدام به چاپ بیش از ۱۰۰ صفحه از کتاب شمع جمع یا منتخب الخطوط که در



برگیرنده اشعار برخی از شاعران ایران به نگارش استاد می باشد شده است یادش گرامی باد.

جامعه خط ایران بار دیگر در سوک نشست - در سوک از دست رفتن مردی ازین تبار - از تبار آنانی که می مانند و نامشان هرگز از یاد نمی رود - گرچه جسم خاکیشان در خاک شود

استاد سیف الله یزدانی - در سال ۱۳۰۷ در دامغان زاده و در خانواده ای زحمتکش و مذهبی پرورده شد تعلیمات و آموخته های روزمره و ابتدائی، که توام با تعالیم مذهبی بود - استاد را در دوره خطاطی و خوشنویسی انگیزه ای برای پرداختن به نگارش احادیث و کلام الله مجید می شود - چنانکه دو سه سال آخر عمر خویش را وقف این امر می نماید و قرآن را با خط نستعلیق به ابعاد ۳۵ × ۵۰ می نگارد استاد بارها در این مورد گفته بود: (نوشتن قرآن با این خصوصیات، لذت و سعادتست که همه کس را نصیب نمی شود). او اغلب، هنگام نگارش قرآن مجید - آیات آنرا با آوا و صوت دلنشینش تلاوت می کرد و فضای کارش را حالتی روحانی می بخشید.

استاد یزدانی که پرورده مکتب استادی چون علی اکبر کاوه بود و از اساتید دیگری چون سیدحسین و سیدحسن میرخانی نیز مشق نظری نموده است از نوادر خوش نویسانی محسوب می شود که قادر به نوشتن خط از ریز تا درشت بود و این در حالی است که هر خوش نویسی، تبحر خاصی در نوعی از قلم دارد - او پس از طی مراحل مختلف، موفق به اخذ درجه استادی خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان می گردد و تا پایان عمر نیز آموزش این هنر را در انجمن به عهده می گیرد.

از فعالیت های دیگر استاد یزدانی می توان از موارد زیر نام برد: نگارش غزلیات حافظ (سه مرتبه و هر مرتبه حدود ۴۵۰ صفحه). کتابت کتاب ترمه ایران در سال ۱۳۵۶، خطاطی زیرنویس و عناوین شاهنامه بایسنغری، کتابت چندین دوره از کتب مختلف درسی (وزرات آموزش و پرورش) - کتابت کتابهای درسی افغانستان به خط نسخ و نستعلیق در حدود ۳۰ جلد و تحریر ۱۴ جزء قرآن مجید به خط نسخ و نگارش قرآن کریم، ... (هفت سوره ای، جیبی دوباره خط نسخ).



# خواجہ عبدالصمد

اکتیس کس ترا شناخت جان را بچند  
دیوانه کنی هر دو جهان سخن  
فرزند و عیال و خانمان را بچند  
دیوانه تو هر دو جهان را بچند

ای کبری که بخشند و عطای دایمی بکسی که پوشنده خطای ای صدی که در ذات صفات بهمنائی ای خالق که زبانی قالی که  
خلقه انسانی بذات لایزال خود و بصفات باکمال خود و بعزت جلال خود و بعلمت جمال خود که جان را رصف ای خود و دل را بهوشی  
در چشم مار ضعیفای خود و در آران که آن .

الهی گل بشت در چشم عارفان خارا است و جوینده ترا بهشت چکار است . الهی اگر بهشت چشم و چراغ است بنی دیدار تو در دو دروغ است .  
الهی اگر بدو رخ فرستی دعوی آنیستم و اگر بهشت فرمائی بی جمال تو غریبتریم به طلب با برار که جز درصال تو طلبکار نیستم الهی دیگران نیستند  
و من مستی استی ایشان فانیست از من قاتی . الهی ایست چه سازم و با چه سازم بازم مرادیده ای ده که از هر نظری شستی سازم .  
الهی روزگاری ترا میجویم خود را میافتم اکنون خود را میجویم و ترا میجویم . الهی دلی ده که شوق طاعت افزون کند و توفیق طاعتی  
به بهشت بهمنون کند . الهی نفسی ده که حلقه بندگی تو کوش کند و جانی ده که زهر حکمت تو نوش کند . الهی دیده ای ده که جز ناشائی بویست بیند  
دلی ده که غیر زهر عبودیت تو نکونید .

الهی اگر محرم من پس نمازم و اگر کند کارم پس نامم . اگر عقابم خودی مطیع و فرمانم و اگر رحمت فرمائی چو مستحق نامم الهی سخن کن که از هیچ حاجت  
رحمت کن آنکه او را هیچ حاجت نیست . الهی در دل با بر تو محبت خود مکار و در این جهان با جز الطاف و رحمت مراد بر این جهان با بر تو محبت بسیار  
الهی هر که دروغ محبت خود نداند می خرم من و جو شمس را بسا و فرستی در وادی . الهی همه آتش با در محبت تو سراسر است و همه نعمت با لطف تو در  
الهی مخلصان محبت تو میبازند و عاشقان بسوی تو میبازند . کار ایشان باز که دیگران سازند ایشان اتوانه که دیگران تو از  
الهی اگر مستم و اگر دیوانه ام از قیسمان این است سانه ام آسانی با خود ده که از کائنات پکانه ام . الهی تا بر آتش شدم از لطف جلا شد  
در دو وجه ان شید شدم نهان بوم پس شدم . الهی در سر خار تو دایم و در دل سراسر تو دایم و در زبان شش تو دایم . الهی سخن خود نگام  
در بیچارگی خود که او احم و خواست خواست شدت من چه خواهم . الهی اگر خام محبت ام کن و اگر خسته ام سوخته ام کن .

## الهی اگر کاپی منی محبت از بتانیت و اگر عجب الله محبت از دوچینیت